

یک تحلیلگر مسائل بین الملل در خصوص تهدیدات امنیتی حال حاضر در منطقه خاورمیانه و چالش های پیش روی سیاست خارجی ایران، اظهار کرد: منطقه خاورمیانه به تعبیر سیاست مداران قدیمی انگلستان لانه زنبور است. در واقع، مکان هایی وجود دارد که تحولات بسیار سریعی در آن ها رخ می دهد و مانند داستان های هزار و یک شب اوضاع به سرعت متحول می شود. علی اصغر زرگر گفت: در چند ماه اخیر وضعیت منطقه متحول شده و شرایط حزب... تفاوت کرده، حکومت سوریه تغییر کرده و گروه هایی که قبلاً تروریست بودند، بر دمشق مسلط شده اند. در عراق نیز آمریکایی ها از قبل حضور داشتند، چندین پایگاه به ویژه پایگاه های هوایی دارند و حدود دو هزار یانصد نفر سرباز در آنجا مستقر کرده اند. این تحلیل گر مسائل خاورمیانه در خصوص روابط با کشورهای عربی حوزه خلیج فارس است، بیان کرد: عربستان، امارات و قطر با توجه به اینکه بخشی از انرژی غرب را تأمین می کنند و با توجه به بسته شدن گاز روسیه، به ویژه در زمینه تأمین گاز برای اروپا، اهمیت زیادی دارند. بنابراین، برقراری روابط حسنه و گفت وگو با این کشورها می تواند به تأثیرگذاری بر تهدیدکنندگان خارجی منطقه خلیج فارس کمک کند. این کشورها می توانند روی ایالات متحده تأثیرگذار باشند و با آن ها رایزنی های بیشتری انجام شود. به نوعی باید روابط دیپلماتیک را بیشتر کرد تا این ها هم متوجه خطری باشند که منافع شان در خلیج فارس را تهدید می کند. وی درباره نیاز ایران به تغییر دکترین سیاست خارجی و دفاعی خود، تصریح کرد: من حدود پنج سال پیش مقاله ای نوشتم و به یکی از روزنامه نگاران دامم که چرا با مسلح شدن ایران به بمب هسته ای موافقم. در آن نوشته بودم که ما دو بار در جنگ جهانی اول و جنگ جهانی دوم اشغال شدیم و کشورهای همسایه ما مانند پاکستان، اسرائیل و ترکیه به سلاح هسته ای دست یافته اند. بنابراین اگر ایران در زمان خاصی به سمت سلاح هسته ای می رفت، این موضوع می توانست به موازنه قدرت در منطقه کمک کند. این موازنه می توانست موجب ایجاد صلح و آرامش در صحنه بین المللی شود که دیگر نیازی به اجرای وعده های صادق هم نباشد. هرچند این کار انجام نشده و اکنون هم نیازی به این موضوع نیست. حتی در هرگونه مذاکراتی می توان مسأله غنی سازی را به ۲۰ درصد کاهش داد، زیرا نیازی به ۶۰ درصد نیست. این استاد روابط بین الملل خاطر نشان کرد: به نظر من، ایران باید به سازمان های بین المللی نزدیک تر شود و با قواعد بین المللی هماهنگ باشد. همچنین در منطقه، مسائل دیپلماتیک خود را با کشورهای دیگر مانند عمان و سایر کشورها رایزنی کند و تهدیداتی که از خارج ممکن است به حوزه خلیج فارس وارد شود، گوشزد کند.

تلاش های دیپلماتیک فشرده دولت پزشکیان برای تعامل با همسایگان در خلیج فارس، بالاخص بازنگرانی چون اردن و مصر که متحدان اصلی واشنگتن هستند و با اسرائیل روابط دیپلماتیک دارند، تلاش بود برای جلوگیری از انتقاد داعی علیه تهران و ممانعت از افزایش تنش. موسسه تحقیقاتی و دفاعی مدعی شد: در ماه های اخیر، مجموعه ای از تحولات موجب شد تا تهران استراتژی امنیتی و دفاعی اش را بازتعریف کرده و برای افزایش توان بازدارندگی خود گام هایی جدی بردارد. ایران یکی از طرفین نشستی بود که ۷ دسامبر در دوحه با حضور وزرای خارجه چند کشور عربی و روند آستانه، یعنی روسیه، ترکیه تعریف شد تا بر سر راه اندازی یک روند سیاسی جامع و توقف عملیات نظامی در سوریه توافق حاصل کنند. به نظر می رسد ایران رویکردی عمل گرایانه در تعامل با مقامات جدید در سوریه دارد. در این میان گروهی بر این باورند که ایران ممکن است در مقابله با تغییر معادلات خاورمیانه و بازگشت رئیس دکترین هسته ای اش را بازتعریف کند. طی سال گذشته، ایران درگیر دیپلماسی فشرده با همسایگان خود در خلیج فارس و منطقه و وسیع تر برای بسیج حمایت ها از آتش بس در غزه و تعریف صدای متحد اسلامی علیه اسرائیل بوده است. در مواجهه با فضای پیچیده امنیتی، مقامات کلیدی کابینه پزشکیان مانند محمد جواد ظریف، معاون راهبردی رئیس جمهور و عباس عراقچی، وزیر امور خارجه که در باب توافق هسته ای با غرب مذاکره داشتند، بار دیگر برای تعامل با غرب در زمینه هسته ای و مسائل منطقه ای خیز برداشتند. همزمان محافظه کارانکه مخالف تعامل با آمریکا هستند، بر رویکرد امنیت محور در منطقه تأکید دارند. در سطح منطقه ای، تهران به دنبال همکاری نهادهایی شده با همسایگان خود در خلیج فارس است تا به مناقشات از طریق مکانیسم های حل اختلاف رسیدگی کند و در نتیجه انتکالی امنیتی کشورهای منطقه به آمریکا راکاهش دهد. امید ایران این است که همسایگان خلیج فارس که بر برنامه های جاه طلبانه تنوع اقتصادی و توسلای متمرکز شده اند، به دنبال جلوگیری از تکرار ناامنی منطقه ای که پس از خروج ترامپ از توافق هسته ای ایران رخ داده است، باشند.

صبح زنگنه در گفت وگو با «آرمان ملی»:

مسئولان لبنانی به خلع سلاح حزب... حتی فکر هم نمی کنند

خلع سلاح حزب... از سوی مسئولان لبنانی مردود است

حزب... در این مدت کوتاه خود را بازسازی کرد

انتخاب جوزف عون محصول سه گانه ملت، حزب... و جریان مقاومت است



آرمان ملی - احسان اسقایی: بالاخره بعد از دو سال جوزف عون به عنوان رئیس جمهور لبنان برگزیده شد. رسانه ها در مورد وی نوشتند: «آقای عون نقشی کلیدی در توافق آتش بس ۶۰ روزه با اسرائیل ایفا کرد که با میانجی گری آمریکا و فرانسه برقرار شد. بر اساس شرایط آتش بس، پس از آنکه نیروها از جنوب لبنان خارج شدند، ارتش لبنان در این مناطق مستقر می شود.» این خبر ما را بر آن داشت که با توجه به تحولات لبنان با صباح زنگنه کارشناس روابط بین الملل به گفت وگو بپردازیم و به این پهنانه در مورد آینده صلح و ثبات در لبنان با انتخاب رئیس جمهور جدید این کشور با نظرات او آشنا شویم. جوزف عون بعد از رای پارلمان لبنان نظمی بسیار قوی در ارتباط با ثبات در این کشور و البته حفاظت از تمامیت ارضی لبنان در برابر حملات اسرائیل کرده است. به نظر می رسد

این نطق دقیقاً خواسته حزب... از او در برابر آرایبی است که به وی داده تا رئیس جمهور شود. نگاهی به معادلات درونی قدرت در لبنان نشان می دهد به رغم اینکه برخی از تحلیلگران نگاه مثبتی به حزب... نداشته اند، اما این حزب... بوده که تمام قد از ریاست جمهوری عون حمایت کرده است. موردی که نشان می دهد مردم لبنان در کنار حزب... دست بپزتری در معادلات سیاسی دارند. از سوی دیگر با انتخاب عون به عنوان رئیس جمهور لبنان، افراد مورد حمایت اسرائیل برای تصدی ریاست جمهوری به حاشیه رفتند. لذا به نظر می رسد در آینده نزدیک شاهد یک لبنان با ثبات تر خواهیم بود. لبنانی که با توجه به قدرت گرفتن جوزف عون که بک نظامی است در زمینه حفاظت از مرزهای خود در برابر اسرائیل بهتر عمل خواهد کرد.

چرا انتخاب رئیس جمهور در لبنان به مدت دو سال به تأخیر افتاد؟

تأخیر در انتخاب رئیس جمهور در لبنان ناشی از ورود کشورهای مختلف برای اعمال فشار بر سیاستمداران این کشور برای انتخاب فردی به عنوان رئیس جمهور است تا وی بتواند به سیاست های آن کشورها در لبنان نزدیک باشد. شاخص ترین کشورهایی که در انتخاب رئیس جمهور لبنان نقش دارند و اعمال نظر می کنند فرانسه، عربستان سعودی (در مقاطعی) و آمریکا هستند. این کشورها همواره دنبال اجرای طرح های خود در لبنان بوده اند. از این رو در انتخاب رئیس جمهور در لبنان به تأخیر می افتاد.

در این مدت که رئیس جمهوری در لبنان قدرت را در دست نداشت چگونه این کشور اداره می شد؟

گروه های مختلف سیاسی با هم توافق کرده بودند که فردی به عنوان نخست وزیر مشخص شده و کشور را اداره کند. چیزی شبیه دولت موقت در این مدت لبنان را اداره می کرد. ضمن اینکه رئیس جمهور در لبنان قدرت اجرایی ندارد و عمدتاً در موضوع جنگ و صلح می تواند نقش ایفا کرده، و اینکه رئیس جمهور لبنان در قراردادهای بین المللی نقش دارد و عموماً نخست وزیر امور اجرایی را در لبنان به عهده می گیرد. در این مدت زندگی در لبنان با داشتن نخست وزیر در جریان بود. لبنانی ها با کمک نخست وزیر امورات می گذرانند. گرچه نخست وزیر اخیر به عنوان نخست وزیر موقت نگه داشته بود که اداره امور در لبنان از بین نرود و کل کشور دچار خلأ قدرت نشود. آقای عون هم اکنون مورد حمایت مسیحیان، اهل سنت و شیعیان است. شیعیان لبنان نشان داده اند که اگر رأی دهند، رئیس جمهور لبنان هیچ گاه انتخاب نمی شود اما با توافق جنبش امل و نمایندگان جنبش امل در لبنان و نمایندگان حزب... در پارلمان لبنان، فضای خوبی ایجاد و آقای جوزف عون به عنوان رئیس جمهور این کشور انتخاب شد.

کدام روسای جمهور تاکنون در لبنان توانسته اند ثبات سیاسی را در این کشور به وجود آورند؟

عموماً افرادی که توانسته اند در این کشور اجماع ایجاد کنند رئیس جمهور شده اند. میشال عون یکی از این اشخاص بوده است. امیل لحود نیز یکی دیگر از این افراد بود. این افراد می توانستند خواست مجموعه های گوناگون سیاسی و احزاب لبنان را جمع کرده تا مجموعه گروه ها و جریان های سیاسی از کشور لبنان حمایت کنند. لبنان همواره بعد از تشکیل رژیم اسرائیل مورد تهدید این رژیم قرار داشته و ارتش اسرائیل بارها و بارها وارد کشور لبنان شده و بدون هیچ نگرانی دست به اقدام زده است.

منظور شما کدام اقدامات است؟

اسرائیل در گذشته زمانی که وارد لبنان می شد، فلسطینی های آواره ای را که در بخش هایی از لبنان مستقر شده بودند، دوباره آواره می کرد. یعنی اول عملیات نظامی انجام و سپس فلسطینی ها را از اردوگاه هایی که اسکان یافته بودند، دوباره اخراج می کرد. اسرائیل بارها

در ملاقاتی با حضور نمایندگان مقاومت (حزب... و امل) از جوزف عون تعهد گرفته شد که در صورت رئیس جمهور شدن، مقامات در مقابل اقدامات جنایتکارانه اسرائیل

یعنی بحثی در مورد خلع سلاح حزب... وجود نداشته است؟ آیا روزی در لبنان می رسد که حزب... خلع سلاح شود؟

اگر بحثی در مورد خلع سلاح حزب... مطرح شده بود، توافق بر روی آقای عون صورت نمی گرفت. خلع سلاح حزب... در خیال مسئولان لبنانی نمی گنجد و چنین موضوعی از طرف حاکمان لبنان مردود است و در بحث های آنها جایی ندارد. این قاعده در لبنان پذیرفته شده که ارتش، جریان مقاومت و دولت لبنان تشکیل دهنده محور توافقات و امنیت در لبنان هستند. بنابراین هیچ کشوری نه آمریکا، نه فرانسه و نه احزاب دیگر لبنانی نمی توانند سلاح حزب... را از این حزب بگیرند و عملاً اگر حزب و گروهی بخواهد در این راه قدم بردارد، با واکنش سختی مواجه می شود. همه می دانند که ورود به چنین موضوعی باعث ایجاد فتنه های بزرگ در لبنان خواهد شد. از اینها گذشته، هیچ حزبی هم در لبنان توانایی ایستادگی در مقابل حزب... را ندارد. از سوی دیگر حزب... بارها اعلام کرده که از اسلحه برای اعمال فشار بر رقبای سیاسی استفاده نمی کند و به همین دلیل حزب... از نظر مردم مشروعیت دارد. هدف حزب... از در اختیار داشتن سلاح، مقاومت و ایستادگی در برابر تجاوز اسرائیل است. اگر فرد و یا گروه دیگری بتواند جایگزین حزب... شود و در برابر تجاوزگری اسرائیل ایستادگی کند، مورد حمایت خواهد بود اما تاکنون چنین چیزی در لبنان دیده نشده است. لذا دیگران هم ترجیح می دهند که خود را به زحمت نیندازند چرا که پیامد های چنین تصمیمی بسیار فاجعه آمیز خواهد بود و آینده کشور لبنان را با مخاطره جدی روبه رو می کند. اکنون لبنان توانسته بعد از دو سال رهبری خود را انتخاب کند و در این شرایط باید از ثبات در لبنان حمایت کرد. عموم کشورهای جهان نیز از انتخاب آقای عون حمایت کرده اند.

با این تفاسیر موضع ایران در برابر تحولات کنونی لبنان و ریاست جمهوری آقای عون چیست؟

ایران همواره از احترام به اراده ملت ها در منطقه حمایت کرده است و خواستار اعمال نظر مردم کشورها در اداره سیاسی کشورهای منطقه بوده است. در لبنان نیز از توافق حاصل شده حمایت و آن را تأیید کرده است. مسئولین ما معتقدند که تصمیم گیری جز از اختیارات مردم لبنان است. اگر در لبنان بر اساس همان فرمول از پیش گفته شده عمل شود، خود مردم لبنان می توانند در برابر اسرائیل مقاومت کنند. ایران هیچ گاه سیاست خاصی را بر مردم لبنان و حتی بر حزب... اعمال نکرده و نخواهد کرد چرا که مردم لبنان را رشید و بالغ می داند و امنیت، استقلال و ثبات لبنان را در هر تصمیمی در نظر می گیرد. لذا هیچ گونه دخالت و اعمال نفوذی بر مردم لبنان نداریم و هیچ فرمانی به حزب... نداده ایم. ایران تنها از استقلال سیاسی در این کشور حمایت کرده و خواستار آن است که اسرائیل نتواند به هر بهانه ای تمامیت ارضی این کشور را از بین برده و به جنوب این کشور حمله نظامی انجام دهد. ایران از هر تحرکی که باعث ایجاد ثبات در لبنان شود حمایت کرده و در آینده نیز حمایت خواهد کرد. این مورد اصل و اساس سیاست ایران در ارتباط با لبنان است و خواهد بود.

ایران از هر تحرکی که باعث ایجاد ثبات در لبنان شود حمایت کرده و در آینده نیز حمایت خواهد کرد. این مورد اصل و اساس سیاست ایران در ارتباط با لبنان است و خواهد بود

سرمایه سوزی اجتماعی



امید علی بابایی
 تحلیلگر مسائل اجتماعی

این روزها واژه سرمایه اجتماعی بر سر زبان تحلیلگران و صاحب نظران افتاده است. بسیاری از کارشناسان و برخی از مسئولین استفاده از سرمایه های اجتماعی را برای برون رفت از مشکلات اصلی کشور همچون مشکلات اقتصادی، به عنوان اولویت مطرح می کنند. واضح و مشخص است که سرمایه های اجتماعی همان نیروی انسانی است که پایگاه های اجتماعی را تشکیل داده و هر کدام به نقش آفرینی در موقعیتی می پردازند. طبیعتاً وقتی حرف از سرمایه است، سرمایه گذاری هم باید مطرح شود یعنی فرصتی فراهم شود تا ارزش افزوده ایجاد شده و این سرمایه اجتماعی درگیر رکود و ایستایی نشود تا بتواند به پیشبرد اهداف نیز کمک کند.

با نگاهی به هرم جمعیتی ایران می توان مشاهده کرد که حداقل یک سوم جمعیت ایران را جوانان تشکیل می دهند. جوانانی که اوج سرمایه گذاری بر روی آنان نام بردن از آنها در وام ازدواج و فرزندآوری خلاصه می شود و هیچ پایگاه اجتماعی مشخص و قدرتمندی برای آنان وجود ندارد. کاملاً بدیهی است که وقتی به سرمایه اجتماعی برای تقویت کشور و اصلاح امور نیاز است باید از همه ها پتانسیل های موجود استفاده کرد تا پویایی به وجود بیاید و اصلاحات به بهترین شکل ممکن انجام شود. از طرف دیگر وقتی غالب جمعیت کشور را جوانان تشکیل می دهند باید برنامه ها و اهداف در راستای بهبود وضعیت جوانان و فرزندان آنها نوشته شود که این فرآیند بدون حضور جوانان در مسند تصمیم سازی و تصمیم گیری غیرممکن بوده و تنها نمایشی پرزرق و برق اما توخالی خواهد بود.

ایجاد پایگاه اجتماعی قدرتمند بدون حلقه اتصال به نهاد قدرت غیرممکن است. منظور از نهاد قدرت نهادی است که تصمیم سازی، تصمیم گیری و اجرای امور در دستان اوست، یعنی دولت. خوشبختانه هر دولتی با هر ایدئولوژی برای ایجاد و استمرار خود نیاز به حمایت مردم دارد چون باید رای خود را از مردم بگیرد تا بتواند تفکرات خود را بیاباده کند وگرنه حتی به صورت ظاهری و نمایشی هم از جوانان صحبتی نمی شد.

اغلب دولت ها معمولاً گروه ثابتی از افراد را تشکیل می دهند که طی یک بازه زمانی از بدنه خارج شده و دوباره به نخستین هم فکران و دوستان خود بر مسند امور، به بدنه دولت باز می گردند. فرض کنید یک تیم فوتبال به بهانه نتیجه گرفتن از بازیکنانی که خارج از بحث کیفیت فقط به واسطه اینکه چندین سال در آن تیم بوده اند و تجربه دارند، استفاده کرده و مربی این تیم به صورت کاملاً نمایشی از چند بازیکن جوان در اردوها دعوت می کند اما در بزنگاه مسابقه آنها را روی سکوی اینمکت می نشاند. در این بین یکی از بازیکنان باتجربه و مدعی که هنوز به این بلوغ نرسیده که خطای بی موردی انجام ندهد، از زمین مسابقه اخراج می شود، تیم را دچار مشکل می کند و بعد از بازی هم مربی و دوستان آن بازیکن مدعی می شوند که ببینید نبود چند دقیقه ای آن بازیکن چقدر به چشم می آمد و آن بازیکن چقدر تأثیرگذار بوده و خواهد بود. در این بین، مربی همین تیم وقتی یک بازیکن جوانش که هنوز تعداد بازی های او اندازه انگشتان یک دست نرسیده، یک اشتباه کوچک مرتکب می شود آن بازیکن را مورد شماتت قرار داده و در بوق و کرنا می کند که ببینید جوانان باید اول در اردوها تنه به تنه بازیکنان باتجربه بزنند و بعد اگر آن بازیکنان باتجربه صلاح دانستند که چهارگوشه زمین را ببوسند، این جوانان می توانند جای آنها را بگیرند. البته این مربی از یک نظر درست می گوید آن هم این است که جوانان از تمرین کنار این باتجربگان می توانند درس های زیادی بگیرند، همان طور که به لقمان حکیم گفته ادب ذاتی، که موختی گفت از بی ادبان!

این داستان تخیلی، می تواند شباهت به عملکرد برخی دولت ها داشته باشد. دولت هایی که از قضا داعیه حمایت از جوانان داشته اند، پشیمانم و... در راستای استفاده از جوانان صادر کرده اند اما اگر از این جوانان هم استفاده می کردند یا منتظر خطای آنان برای سرزنش کردنشان می بودند یا آنان را برای خالی نبودن ویتترین در کنار خود قرار می دادند تا بگویند که ما به سرمایه های اجتماعی به خصوص جوانان اهمیت می دهیم و احتمالاً زمانی از این جوانان استفاده می کرده اند که دیگر جوانی آنان روه پایان بوده و برخلاف پیشکشوتانی که همیشه در صحنه بوده و با انگیزه و پویایی کار خود را انجام می داده اند، این جوانان دیگر نه تنها انگیزه ای نداشته اند بلکه دچار دلسردی و یاس نیز می شده اند.

شاید بد نباشد به مدیران و مسئولین صاحب مقام و دولتمردان توصیه کرد که وقتی در محافل و مجالس مختلف و گردهمایی ها جمع می شوید نگاهی به اطراف خود ببیند از پند و تعداد جوانانی که به آن مراسم دعوت شده اند را به شمارید، قطعاً خواهید دید جوانانی که به مراسم دعوت شده اند انگشت شمار هستند چه برسد به آنهایی که در وسط گود از آنها استفاده می شود! الگوی در دسترس و حقیقی اعتقاد به جوانان، مقام معظم رهبری هستند که در مراسم ها و سخنرانی های ایشان جوانان زیادی دیده می شوند و حتی کسانی که در حضور ایشان به ایراد نظرات و سخنرانی می پردازند غالباً جوانان هستند. مقام معظم رهبری به عنوان بالاترین مقام مملکتی با بصیرت و آگاهی بارها به استفاده از جوانان به عنوان سرمایه های اجتماعی در مسند ها و مناصب تأثیرگذار تأکید کرده و فرموده اند: «مسئله جوانان در کشور ما باید به یک مسئله حقیقتاً ملی تبدیل شود. همه باید در قبال جوانان احساس مسئولیت کنند.» در پایان باید گفت که هر سرمایه ای اگر در فرصت طلایی از آن استفاده شود می تواند ارزش افزوده ای ایجاد کند که به سرمایه ای تجدیدپذیر تبدیل شود وگرنه استفاده در هنگام و نادرسر از سرمایه ها، فقط به سرمایه سوزی ختم می شود.